

درخت تو گربار دانش بگیرد به زیر آورد چرخ نیلوفری را



SHUGHNAN PRESS

سیستم ده ماهه آدرخش

Download from: aghalibrary.com

خالد دار ناصری

تهیه و ترتیب :

ماه اول

Conversational Sentences

جملات محاوره ای

Hi, Hello.
Good Morning.
Good noon.
Good after noon.
Good evening.
Good night.
Good midnight

What چه ، هرچه ، هر آنچه

1. What is your name?
2. What is your second name?
3. What is your last name?
4. What is your nick name?
5. What is your first name?
6. What is your middle name?
7. What is your family name?
8. What is your father's name?
9. What is your job?
10. What color do you like?
11. What are you?
12. What is your native tongue?
13. What is your hobby?
14. What is your great ambition?
15. What is your mother tongue?
16. What do you want to become in the future?
17. What do you do at your free time?
18. What is your favorite meal?
19. What is your nationality?
20. What are the days of the week?

My name is Ahmad.
My second name is Ahmady.
My last name is Ahmady.
My nick name is Haroon.
My first name is Mahmood.
My middle name is Karim
My family name is Nawab.
My Father name is Akram.
I am a student.
I like white color.
I am a shopkeeper.
My native tongue is Dari.
My hobby is playing chess.
My Great Ambition is the
Development of Afghanistan.
My mother tongue is Dari.
I want to become a lawyer in.
The future.
I usually study English.
My favorite meal is meat.
I am an Afghan.
They are:
Saturday
Sunday
Monday
Tuesday

Wednesday
Thursday
Friday

21. What are the seasons of the year?

They are:
Spring, Summer, , Autumn
and winter.

22. What time does your class begin?

Our class begins at 5:00

23. What time is it?

It is four O'clock.

It is a quarter to four.

It is a quarter past four.

It is half past four.

It is five O clocks.

24. What time does your class finish?

Our class finish at 5O'clock.

25. What time do you go to school?

I go to school at 7:00 O clock

O'clock in the morning

26. What time do you get up in the Morning?

I get up at 4:00in the morning

27. What is your age?

I have past twenty spring of
my life

28. What is your religion?

My religion is Islam

29. What is your sect?

My sect is Hanafi

30. What is your marital status?

I am married, I am widow

I am divorced

31. What are the bases of Islam?

The bases of Islam are

Holly word, prayer, fast, alms
pilgrimage

32. What is the most delicious food for you?

Manto is the most delicious
food for me

33. What is the matter?

There is no matter

34. What is up?

A car has run over a small
child

35. What can I do for you?

Thanks, a lot

36. What does life mean to you?

It means worshiping of God
and serving the mankind

37. What is death?

Death is the last enemy of
Human

How چگونہ ، چطور

1. How do you do?
2. How are your parents?
3. How is your health?

How do you do?
They are fine by
God grace
Thank you I am healthy

- | | |
|---|--|
| 4. How are you feeling? | I am feeling well |
| 5. How is every thing? | Every thing is okay |
| 6. How is life treating you? | It's satisfactory |
| 7. How do you come to course? | I come to course by bicycle |
| 8. How is the method of teaching for you? | It is useful |
| 9. How do you memorize the English words? | I memorize the English words by studying |
| 10. How is the behavior of your teacher with you? | It is friendly |
| 11. How is the weather? | The weather is Sunny, windy rainy and snowy |
| 12. How was the weather yesterday? | It was sunny |
| 13. How is the condition of life in your country? | It is okay |
| 14. How is social situation of your city? | It is quite normal |
| 15. How is life going on? | It is going on well. |
| 16. How can we improve our English Knowledge? | By hard studying |
| 17. How can we achieve our purposes? | We can achieve our proposes by perseverance |
| 18. How can I get to the city? | You can get to the city by bus |
| 19. How can we improve our talent? | We can improve our talent by studying |
| 20. How can we over come to the problems? | We can over come to the problems by hard working |
| 21. How can we prevent our emotions? | We can prevent our emotion by sangfroid. |

Where کجا

- | | |
|-------------------------------------|------------------------------------|
| 1. Where are you from? | I am from Afghanistan |
| 2. Where do you live? | I live in Mazar-e-Sharif |
| 3. Where is your house located? | Our house located in kodbarq |
| 4. Where do you study English? | I study English in IMCS |
| 5. Where are you now? | I am in the classroom now |
| 6. Where have you been born? | I have been born in Kabul |
| 7. Where are you going? | I am going to school |
| 8. Where is the teacher? | He is in the office |
| 9. Where are the students? | The are in the classroom |
| 10. Where do you usually eat lunch? | I usually eat lunch at home |
| 11. Where do you want to travel to? | I want to travel to Parise |
| 12. Where were you yesterday? | I was at home |
| 13. Where will they visit you? | They will visit me at the airport. |

زبان Language

زبان: زبان عبارت از مجموعه قواعدی سمبول های قرار دادی و صوتی است که غرض افهام و تفهیم از آن استفاده به عمل می آید. و اینکه زبان عبارت از وسیله افهام و تفهیم است. و پس زبان را میتوان از لحاظ شکل به سه دسته تقسیم کرد.

1. زبان نوشتار (ادبی)

2. زبان گفتار (عامیانه)

3. زبان حرکی (اشاره یی)

1. **زبان نوشتار (ادبی) Courtesy Language:** عبارت از آن شکلی از زبان اطلاق میگردد که شکل دستوری یا قلمی داشته باشد و نکات دستوری و گرامری در آن رعایت گردد. معمولاً از این نوع زبان در نوشتن کتب و مجلات و غیره استفاده میشود.

2. **زبان گفتار (عامیانه) Colloquial Language:** عبارت از آن شکلی از زبانی است که شکل محاوره داشته باشد و قواعد خاص دستوری معمولاً در نظر گرفته نشود. معمولاً از این نوع زبان در زندگی روز مره استفاده به عمل میآید.

3. **زبان حرکی (اشاره) Demonstrative Language:** زبان حرکی (اشاره یی) به زبان گفته میشود که توسط اشارات و حرکات مفهوم را افاده کند. معمولاً این نوع زبان را در اشخاص گنگ میتوان مشاهده نمود.

زبان را از لحاظ مفهوم میتوان به دو نوع تقسیم کرد.

1. **زبان به مفهوم خاص 2. زبان به مفهوم عام**

1. **زبان به مفهوم عام Language in common meaning:** زبان به مفهوم عام معمولاً همراه اشارات، حرکات، لوحه ها، و اشارات ترافیکی و غیره که میتوان مفهومی را افاده کند اطلاق میگردد.

2. **زبان به مفهوم خاص Language in proper meaning:** عبارت از همان کاربرد علامات قراردادی و صوتی است که غرض فهمیدن و فهماندن به صورت گفتار بکار میرود. باید تذکر شد که برای بهتر فراگرفتن یک زبان به مفهوم خاص نیازمند به سلسه قواعد و دساتیر احساس میشود که آنرا گرامر (دستور زبان) مینامند.

دستور (گرامر) Grammar: گرامر (دستور) عبارت از مجموعه قواعد است که جهت درست نوشتن و درست خواندن و افهام و تفهیم از آن استفاده به عمل می‌آید.

الفبا Alphabet: الفبا عبارت از نشانه‌های قراردادی و صوتی است، که اساس یک زبان را تشکیل می‌دهد، زبان خود در اصل از مجموعه سمبول‌ها تشکیل شده است که با استفاده از این سمبول‌ها و نشانه‌ها می‌توان زبان را افاده نمود در زبان انگلیسی (26) حروف وجود دارد این حروف را می‌توان از لحاظ شکل به دو دسته تقسیم کرد.

1. حروف بزرگ Capital letter

2. حرف کوچک Small letter

1. **حروف بزرگ Capital letters:** حروف بزرگ عبارت از حروفی است که به شکل برجسته تحریر می‌گردد. این حروف دارای موارد بکاربرد ذیل می‌باشد.

1. برای نوشتن حروف اول کلمه در یک جمله. Ex. He is a student.
2. برای نوشتن حروف اول اسم‌های خاص. Ex. He is Ahmad
3. برای نوشتن حرف اول روز‌های هفته. Ex. Today is Wednesday
4. برای نوشتن حرف اول ماه‌های سال. Ex. It is June
5. برای نوشتن ضمیر فاعلی (I). Ex. I am a student.
6. برای نوشتن مخففات. Ex. UN, WFP, UK, USA

2. **حروف کوچک Small letters:** حروف کوچک حروفی اند که شکل غیر برجسته داشته معمولاً در نوشتن کتب مجلات و غیره از آنها استفاده به عمل می‌آید. حروف بزرگ و کوچک را می‌توان چنین نوشت.

Aa. Bb. Cc. Dd. Ee. Ff. Gg. Hh. Ii. Jj. Kk. Ll. Mm. Nn. Oo. Pp. Qq. Rr. Ss. Tt. Uu. Vv. Ww. Xx. Yy. Zz.

حروف در زبان انگلیسی از لحاظ طرز تلفظ یا معنی به سه دسته تقسیم شده است.

1. حروف صدادار (Vowel letter)

2. حروف بی صدا (Consonant letter)

3. حروف نیمه صدا دار (Sime Vowel)

1. **حروف صدا دار (Vowel letter):** عبارت از حروفی اند که در هنگام تلفظ آنها در سیستم گفتاری موانع ایجاد نمی‌شود. و این حروف هر یک به تنهایی می‌توانند یک هجا را تشکیل دهند. و این حروف عبارتند از: Aa. Ee. Ii. Oo. Uu. می‌باشد.

نقش حروف صدادار (Role of Vowel letters)

نقش حروف صدادار را می‌توان ذیلاً خلاصه کرد.

1. موجودیت حروف صدادار در یک کلمه باعث ایجاد صدا در آن کلمه می شود در صورتیکه یکی از حروف صدا دار در یک کلمه موجود نباشد آن کلمه را نمی توان تلفظ کرد.

Ex. PtvS

ولی هرگاه حرف صدا دار را در آن بی افزایم آنگاه آن تلفظ خواهد شد.

Ex. Representative

2. موجودیت حرف صدادار باعث هجا بندی در یک کلمه میشود.

Ex. Moral

یادداشت (Note): هجا عبارت از واحد تقسیم کلمات است که معمولاً موجودیت یک حرف صدا دار میان دو حرف بی صدا یک هجا را تشکیل میدهد.

3. برای کلماتیکه با حروف صدا دار آغاز شده از حرف تعریف (an) برای معین ساختن آنها استفاده می شود.

یادداشت (Note): دو حرف دیگری که در صورت موجود نبودن حروف صدادار در کلمات باعث ایجاد صدا میشود (W.Y) هستند این حروف را حروف نیمه صدادار (Sime Vowel) می گویند.

2. حروف نیمه صدادار (Sime Vowel letters): عبارت از حروفی اند که گاهی صدا دار و گاهی بی صدا، در اول کلمات بی صدا و در آخر کلمات صدادار میباشند، که شامل

دو حرف W و Y اند. Ex. Cry, Sky, Why, Spy, Window

4. حروف بی صدا (Consonant letters): حروف بی صدا حروفی اند که در هنگام تلفظ شان در سیستم گفتار موانع ایجاد میشود. و نمی توانند به تنهایی خود هجا را تشکیل دهد جز از حروف صدادار دیگر همه حروف در زبان انگلیسی بی صدا اند حروف بی صدا را به صورت مفصل ذیلاً مطالعه مینمائیم که (19) حروف اند.

1. (B) صدای (ب) را در زبان دری افاده میکند این حروف در وسط کلمات قبل از حرف (T) و در آخر کلمات بعد از حرف (M) تلفظ نمی شود.

Ex. Break, debt, thumb

2. (C) صدای (س) و (ک) را بیان میکند قبل از حروف (e, I, y) (س) در غیر آن (ک) تلفظ میشود.

Ex. City, Center, Car, Cycle

3. (D) صدای (د) را مبین است قبل از حروف (J) و (G) قرار گیرد تلفظ نمی شود.

Ex. Door, Adjective, Bridge

4. (F) صدای (ف) را بیان گر است.

Ex. Fame, Famous, Live

5. (G) صدای (ج) و (گ) را بیان میکند هرگاه قبل از حروف (E) و (I) قرار گیرد گاهی (گ) گاهی (ج) تلفظ میشود. قبل از (Y) (ج) ادا میشود.

Ex. Girl, Gender, Gymnastic

- هرگاه قبل از حروف دیگر قرار گیرد (گ) ادا میشود و قابل تذکر است که این حرف قبل از حروف (M) و (N) صدا نمی دهد.
- Foreigner, Diaphragm
6. (H) صدای (ح) و (ه) را مبین است.
- Ex. Hide, Healthy
7. (J) بیان گر صدای (ج) است.
- Ex. Jam, Jacket
8. (K) صدای (ک) را میدهد، در آغاز کلمات قبل از حرف (N) قرار گیرد صدا نمی دهد.
- Kick, Knife, Knee
9. (L) صدای (ل) را میدهد این حرف بعضاً در وسط کلمات تلفظ نمی شود.
- Ex. Lucky, Chalk, Talk, Walk
10. (M) افاده کننده صدای (م) است.
- Ex. Moon, Meat, Make
11. (N) صدای (ن) را افاده میکند در آخر کلمات بعد از حرف (M) قرار گیرد تلفظ نمی شود.
- Ex. Nick, Needy, autumn
12. (p) صدای (پ) را بیان گراست در آغاز کلمات قبل از حرف (S) و (N) قرار گیرد تلفظ نمی شود.
- Ex. Peep, Gunpowder, Psychology, Pneumonia
13. (Q) صدای (ک) را میدهد بعد از این حرف معمولاً (U) قرار میگیرد.
- Ex. Queen, Quite,
14. (R) صدای (ر) را مبین است.
- Ex. Read, Write, Ruler
15. (S) صدای (ث) (س) (ص) را بیان گراست.
- Ex. Sauce, Seek, Search
16. (T) صدا (ط) و (ت) را افاده میکند در وسط کلمات قبل از حرف (Ch) بعد از حرف (S) تلفظ نمی شود.
- Ex. Tear, Tree, Talk, Watch, Whistle
17. (V) صدای (وی) را بیان گر است.
- Ex. Verse, shelve
18. (W) صدای (و) بیان گر است در آغاز کلمات قبل از حرف (R) صدا نمی دهد.
- Ex. Worry, Write, Wrong
19. (X) صدای (اکس) را میدهد.
- Ex. Exam, Example, X-ray
20. (Y) صدای (ی) را میدهد.
- Ex. Young

21. (Z) صدای (ز) (ذ) (ض) را بیان گر است.

Ex. Zoo, Zip

حروف ترکیبی (Compound letters)

یادداشت: بعضی از حروف که به شکل ثابت در زبان انگلیسی وجود ندارد میتوان آنها را با ترکیب نمودن دو و یا بیشتر از دو حرف تشکیل کرد که این حروف را حروف ترکیبی یا (Compound letters) میگویند.

1. Ch	چ	Chalk
2. Sh	ش	Shy
3. Zh	ژ	Zhala
4. Gh	غ	Ghulam
5. Kh	خ	Khala
6. Ph	ف	Phone
7. Ture	چه	Nature
8. Tion	شن	Nation
9. Sion	ژن	Television
10. Cient	شنت	Ancient

ضمیر Pronoun

Pronoun is a word which is used instead of noun in prevent its repetition
ضمیر کلمه ایست که بجای اسم استعمال شده و از تکرار آن جلوگیری میکند.

Ex. Ahmad is a student, He is my brother.

Pronouns are divided in to nine parts.

1. Personal Pronouns	1. ضمائیر شخصی
2. Demonstrative Pronouns	2. ضمائیر اشاره یی
3. Possessive Pronoun	3. ضمائیر ملکی
4. Distributive Pronoun	4. ضمائیر توضیحی
5. Indefinite Pronouns	5. ضمائیر نامعین
6. Interrogative Pronouns	6. ضمائیر پرسشی
7. Reflexive Pronouns	7. ضمائیر انعکاسی
8. Emphasizing Pronouns	8. ضمائیر تعکیدی
9. Relative pronouns	9. ضمائیر موصولی

ضمایر شخصی Personal Pronouns

Personal pronouns are those which are used instead of people and things in the sentence.

ضمائیر شخصی ضمائیری اند که بجای اشیا و اشخاص در جملات استعمال می شوند.

The personal pronouns are divided in to two parts.

- a. Subject Pronoun ضمایر فاعلی
- b. Object Pronoun ضمایر مفعولی

a. Subject Pronouns (ضمایر فاعلی)

Subject Pronouns are those which are used instead of subject in the sentences.

ضمائیر فاعلی ضمائیری اند که بجای فاعل در جملات استعمال میشوند.

The Subject Pronoun consists in:

ضمایر فاعلی عبارتند از:

- | | |
|---------|----------|
| 1. I | من |
| 2. He | او مرد |
| 3. She | او زن |
| 4. It | او بیجان |
| 5. You | شما |
| 6. We | ما |
| 7. They | آنها |

Note: Please remind these Notices:

☞ Subject is the doer of an action. فاعل کننده یک کار را گویند.

Ex. He fixes the car.

☞ Subject is a person or things that we talk a bout it.

فاعل یا مبتدا شخص یا شی است که ما در موردش صحبت میکنم.

Ex. He is a boy. It is a book.

☞ Subject is the word which is used in the beginning of the sentences.
فاعل یا مبتدا کلمه است که در آغاز جمله استعمال میشود.

Ex. This is a comfortable chair.

موارد استعمال (It) The Usage Of (It)

1.(It) is used for some thing animate.

(It) میتوان برای اشیای بیجان استعمال شود.

Ex. It is a chair.

2.(It) can be use for animal when we do not consider their gender.

(It) برای حیوانات استعمال میشود هنگامیکه ما نوعیت آنرا در نظر نگیریم.

Ex. It is a dog.

3.(It) can be used for the people in the photos.

میتواند برای اشخاص در تصاویر استعمال شود.

Ex. Who is this in the picture. It is Ahmad.

4.(It) Some times can be used for small babies.

(It) بعضی اوقات میتواند برای اطفال نوزاد استعمال می شود.

Ex. It is a new born child.

b. Object Pronoun (ضمایر مفعولی)

Object pronouns are those which are used in stead of object in the sentences.

ضمائیر مفعولی ضمائیر اند که به جای مفعول در جملات استعمال می شود.

Object pronoun consist in: ضمائیر مفعولی عبارتند از:

No	Subject Pronoun	ضمائیر فاعلی	Object Pronoun	ضمائیر مفعولی
1	I	من	Me	من را
2	He	او مرد	Him	آن مرد را
3	She	او زن	Her	آن زن را
4	It	او بیجان	It	آن بیجان را
5	You	شما	You	شما را
6	We	ما	Us	ما را
8	They	آنها	them	آنها را

Note: Please remind this Notice:

☞ Object is the receiver of an action.

Ex. I gave him a book.

Ex. Ahmad saw them in the park.

افعال بودن To Be Verb

To be verb are those which are used to show state in the sentences.

افعال بودن افعال هستند که جهت نشان دادن حالتی در جملات استعمال می شود.

To be verb consist in

افعال بودن عبارتند از

Am Is Are Was Were

Present Conjugation

I am	من هستم
You are	شما هستید
We are	ما هستیم
They are	آنها هستند
He is	آن مرد است
She is	آن زن است
It is	آن بیجان است

Ex. I am a boy Ex. He is a student.

Past Conjugation

I was	من بودم
You were	شما بودید
We were	ما بودیم
They were	آنها بودند
He was	او مرد بود
She was	او زن بود
It was	او بیجان بود

Ex. I was a student.

Ex. You were students.

Note: Sentences which contain to be verb we bring the to be verbs at the beginning in the question form. And add only (not) after to be verbs in the negative form.

Ex. He is a student

Ex. Is he a student?

Ex. He is not a student.

افعال داشتن To have verbs

Are those which are used to show possession or ownership in the sentences.

افعال داشتن افعال هستند که برای ملکیت و مالکیت استعمال میشوند.

To have verb are consist in:

Have

Has

Had

Present Conjugation

I have

دارم من

You have

شما دارید

We have

ما داریم

They have

آنها دارند

She has

او زن دارد

He has

او مرد دارد

It has

او بیجان دارد

Ex. I have a pencil.

Ex. You have a book.

Past Conjugation

I had

من داشتم

You had

شما داشتید

She had

او زن داشت

He had

او مرد داشت

It had

او بیجان داشت

We had

ما داشتیم

They had

آنها داشتند

Ex. I had a little money.

Ex. She had a pretty dress.

Note: usually in the question and negative form of to have verbs, the to do verbs are used along with them.

But some time it is a possible to use to have at the beginning of the sentences in the question and add only (Not) after them in negative

معمولاً در شکل سوالی و منفی افعال داشتن افعال (To do) یا انجام دادن همراه آن استعمال میشود ولی بعضی اوقات ممکن است آنها را در شکل سوالی در آغاز جمله و در شکل منفی بعد از آنها حرف (Not) را علاوه نمود.

Ex. I Have a pen.

Ex. Have I a pen?

Ex. I have not a pen.

Ex. Do I have a pen.

Ex. I do not have a pen.

To Do Verbs افعال انجام دادن

To do verbs are those which are used to show performing of an action in the sentences.

افعال انجام دادن افعال هستند که دلالت به انجام یک عمل در یک جمله میکنند.

To do verbs are consist in:

Do

Does

Did

Present Conjugation

I do

من انجام میدهم

You do

شما انجام میدهید

He does

او مرد انجام میدهد

She does

او زن انجام میدهد

It does

او بیجان انجام میدهد

They do

آنها انجام میدهند

We do

ما انجام میدهیم

Ex. I do my home work every day.

Ex. She does the chores.

Ex. It does bark.

Past Conjugation

I did	من انجام دادم
You did	شما انجام دادید
He did	او مرد انجام داد
She did	اوزن انجام داد
It did	او بیجان انجام داد
We did	ما انجام دادیم
They did	آنها انجام دادند

Ex. We did our home work yesterday.

کار خانگی :

من یک پسر هستم.
او یک دختر است.
ما شاگردان هستیم.
آنها استادان هستند.
شما یک دریور هستید.
احمد یک داکتر است.
محمود یک انجنیر است.

من یک متعلم بودم.
او یک استاد بود.
شما یک معمار بودید.
آنها دوستان من بوده اند.
ماشاگردان بودیم.
کریم یک نجار بود.
اسد یک رنگمال بود.

من هر روز مکتب میروم.
او هر روز اینجا میآید.
آنها به مکتب میروند.
ما درس میخوانیم.
شما کار خانگی را انجام میدهید.
احمد یک نامه نوشته میکند.

محمود یک تصویر رسم میکند.
من هر روز کتاب میخوانم.
سلیم یک قلم دارد.
شما یک موتر دارید.
کریم یک دوست داشت.
من احمد را ملاقات کردم.
احمد دوست من است.
عبدالله پسر لایق است.

من زبان انگلیسی را میآموزم.
انگلیسی زبان بین المللی است.
من در صنف اول درست میخوانم.
صنف ما کلان است.
استاد ما هر روز به صنف میآید.
همصنفان ما شاگردان لایق هستند.
ما در صنف انگلیسی صحبت میکنیم.

من دیروز به شهر رفتم.
شهر ما زیبا است.
کتاب من جالب است.
کتاب دوست انسان است.
من کتاب های زیاد دارم.
من از شهر کتاب خریدم.
من از خواندن کتاب لذت میبرم.

افغانستان کشور کوهستانی است.
افغانستان سرزمین افغانها است.
اقلیم افغانستان ملایم است.
افغانستان سی و چهار ولایت دارد.
کابل پایتخت افغانستان است.
ولایت مرکزی بامیان است.
ما به کشور خود افتخار میکنیم.

افغانها مردم شجاع و مهمان نواز هستند.
افغانها مردم غيور هستند.
افغانها مردم وطن دوست هستند.
افغانها مردم متدين هستند.
تمدن افغانها تمدن اسلامي است.
اسلام دين مقدس است.
مردم ما سرزمين خود را دوست دارند.
پيغمبر اسلام حضرت محمد "ص" است.
اسلام دين برادري است.

اسلام دين جامع است.
اسلام پنج ركن دارد.
کشور ما کشور اسلامي است.
ما به خداوند يقين داريم.
مسلمانان برادر يك ديگر اند.

کشور ما کشور مذهبي است.
مذهب رسمي افغانستان مذهب حنفي است.
قرآن کتاب خداوند است.
قرآن کتاب قرن ها است.
ما به قرآن عقیده داريم.
قرآن کتاب مسلمانان است.
مسلمانان از قرآن پيروي ميکنند.

من او را ديدم اما او مرا ندید.
من او را می شناسم.
او شما را می شناسد.
من او را دوباره ديدم.
او سه بار اينجا آمد.
احمد يك بار بمن تلفون کرد.
پويان هيچگاه اينجا نيامد.

من به تکسی سوار شدم.
سرویس در گولائی دور خورد.
لطفاً پیراهن تان را بپوشید.
لطفاً جاکت تان را بپوشید.
لطفاً کرمچ تان را بپوشید.
لطفاً داخل بیائید.

لطفاً بند بوت تان را ببندید.
لطفاً آستین خود را بالا کنید.
لطفاً آستین خود را پائین کنید.
لطفاً خارج شوید.
ما هفته پنج روز درس میخوانیم.
دروس برای ما دلچسپ است.
من کار خانگی خود را انجام میدهم.

من از او پول قرض گرفتم.
او برای من پول قرض داد.
احمد بکس جیبی اش را گم کرد.
او پول را در بیک گذاشت.
او از بانک پول گرفت.

No	Word	Meaning	No	Word	Meaning
1	Act	عمل کردن	35	Bottle	بوتل
2	Active	فعال	36	Button	تکمه
3	Air	هوا	37	Bell	زنگ
4	Agent	نماینده	38	Cat	پشک، گربه
5	Aim	هدف، مقصد	39	Cup	پیاله
6	Alms	زکات، صدقه	40	Class	صنف درسی
7	Answer	جواب	41	Coop	مرغانچه
8	Arm	بازو	42	Cake	کیک
9	Affect	تاثیر کردن	43	Car	موتر
10	Awful	بسیار خراب، بد	44	Color	رنگ
11	Airport	میدان هوایی	45	Country	کشور، مملکت
12	Art	هنر	46	Center	مرکز
13	Age	سن سال	47	Central	مرکزی
14	Animal	حیوانات	48	Count	حساب کردن
15	Again	دوباره	49	Climate	اقلیم
16	Aunt	عمه	50	Curfew	قیود شب کردی
17	Boy	پسر، بچه	51	Call	تلیفون کردن، صدا زدن
18	buy	خریدن	52	Clean	پاک
19	Become	شدن	53	Clear	آشکار واضح
20	Book	کتاب	54	Cemetery	قبرستان
21	Begin	آغاز کردن، شروع کردن	55	Crime	جرم، جنایت
22	Bag	بیگ	56	Criminal	جنایت کار، مجرم
23	Broke	مفلص، بی پول	57	Cashier	خزانه دار
24	Bus	سرویس	58	Cheap	ارزان
25	Body	جسم، تنه	59	Duck	مرغابی
26	Broker	دلال	60	Duster	تخته پاک
27	Busy	مصروف	61	Death	مرگ
28	Boat	کشتی، قایق	62	Day	روز
29	Bone	استخوان	63	Dusty	گردآلود
30	Break	شکستادن	64	Draw	رسم کردن

31	Blood	خون	65	Doctor	داکتر
32	Border	سرحد	66	Die	مردن
33	Bird	پرنده	67	Dead	مرده
34	Book store	کتاب فروشی	68	Dream	خواب دیدن
69	Bribe	رشوت، رشوت دادن	109	Dust	گرد، خاک
70	Black board	تخته سیاه	110	Drug	ادویه، دوا
71	Drink	نوشیدن	111	full	پر، مملو
72	Driver	دریور	112	Fat	چاق
73	Dress	لباس زنانه	113	Fight	جنگ کردن
74	Daughter	دختر	114	Face	روی، چهره
75	Drawer	راوک میز	115	Fine	خوب، جریمه
76	Dog	سگ	116	Flag	بیرق
77	Drunk	نشئه، بی خود، مست	117	Fellow	شخص، آدم
78	Dirty	کثیف	118	Friend	رفیق، دوست
79	Engineer	انجینر	119	Flower	گل
80	Ear	گوش	120	Girl	دختر
81	Egg	تخم مرغ	121	Guest	مهمان
82	Enemy	دشمن	122	Gift	تحفه
83	Eat	خوردن	123	Get	بدست آوردن
84	Earth	زمین	124	God	خداوند
85	Eye	چشم	125	Good	خوب
86	Eraser	تخته پاک	126	Graduate	فارغ از تحصیل
87	Earache	گوش درد	127	Go	رفتن
88	Example	مثال	128	Gamble	قمار زدن
89	End	پایان، آخر	129	Gambler	قمار باز
90	Effect	اثر	130	Grand father	پدر کلان
91	Elect	انتخاب کردن	131	Grand mother	مادر کلان
92	Election	انتخابات	132	Glasses	عینک
93	Escape	فرار کردن	133	Glass	گیلاس
94	Endanger	به خطر انداختن	134	Guide	رهنما، رهبر
95	Emulate	همچشمی کردن	135	Green	سبز

96	Earring	گوشواره	136	Here	اینجا
97	Encourage	تشویق کردن	137	Home	خانه
98	From	از، بواسطه	138	Human	انسان
99	Feel	احساس کردن	139	Hard	مشکل سخت
100	Father	پدر	140	Hurry	عجله کردن
101	Fact	حقیقت	141	Head	سر، سرپرست
102	Fear	ترس	142	Hand	دست
103	Forest	جنگل	143	Headache	سر درد
104	Flood	سیلاب، سیل	144	Hair	مؤ
105	Fame	شهرت	145	Holiday	رخصتی، روز بیکاری
106	Famous	مشهور	146	Hospital	شفاخانه
107	Hold	نگهداشتن، گرفتن	147	Inn	مسافر خانه
108	Happy	خوشحال، شاد	148	Invalid	بی اعتبار، باطل
149	Hear	شنیدن	160	Impolite	بی تربیه
150	Hell	دوزخ	162	Imprison	زندانی ساختن
151	Habit	عادت، خو	164	International	بین المللی
152	Heed	توجه	166	Idea	مفکوره
153	Hill	تپه	168	Intelligent	لایق
154	Hen	ماکیان	170	Inactive	غیر فعال
155	Heart	قلب	172	Introduce	معرفی کردن
156	High	بلند، ارتفاع	174	Invite	دعوت کردن
157	Healthy	صحت مند	176	Invitation	دعوت
158	Health	صحت	178	Ice	یخ، یخ بستن
159	Hide	پنهان کردن	179	ill	مریض، بیمار